

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشکده فنی و حرفه ای شمسی پور

اپیزود

«نقشه فقر ایران چگونه است؟»

درس

استاد :

دانشجو

مهمان : مجید عنیان

میزبان : مهدی ناجی

کارگردان : بهداد گیلزاد کهن

مدت زمان فایل : ۱:۱۲:۴۳

نیمسال دوم

اگه فقر و ناتوانی در تامین نیازهای اساسی زندگی بدون به نظرتون تا چه اندازه می‌تونیم اون فرد یا خانواده فقیر رو در این ناتوانی مقصر بدونم ؟ به نظرتون اگه این امکان رو داشتیم که اون خانواده فقیر رو در طول زمان یا مکان جابه‌جا کنیم با فرض ثابت بودن بقیه شرایط البته تغییری در میزان فقر یا توانمندی اتفاق نمی‌افتاد ؟ یعنی یه خانواده فقیر در نظر بگیرید اگر این خانواده فقیر با همین شرایط و تحصیلات و جنم استعداد و هوش و سلامت جسم رو ده سال پیش در نظر می‌گرفتیم باز فقیر بود ؟ اگر شهر استان یا کشورش رو عوض می‌کردیم میزان فقرش تغییر نمی‌کرد ؟ « پاسخ به این سوال‌ها نشون می‌ده چقدر نظام حکمرانی سیاست‌های اقتصادی و شرایط محیطی می‌تونه در فقیر یا غنی‌تر شدن یک جامعه مؤثر باشد » به نظرتون چند درصد از ابرونی‌ها در حال حاضر با فقر عمیق معیشتی روبرو هستند ؟ به این دلیل که در تامین حداقل کالری مورد نیاز بدنشان ناتوان باشد چند میلیون نفرن ؟ بیشتر در کدام مناطق کشور زندگی می‌کنند ؟ به‌طور کلی وضعیت فرد در ایران ما چگونه است ؟

اسپانسر، پادکست سکه : حامی مالی این قسمت پادکست سکه بیت میته ، بیت میت یه صرافی آنلاین برای خریدوفروش و تبدیل ارزهای دیجیتال که قبلاً این سرویس از طریق پادکست سکه معرفی کرده بودیم و حالا این سرویس با اضافه کردن امکانات جدید کامل‌تر شده ؛ بیت تنوع اعضای بالایی داره و کاربرا به کمک کیف پولی که در اختیار دارم می‌تونم برای واریز برداشت و یا نگهداری تمامی ارزهای دیجیتال اقدام کنند ! کارمزد خدمات بیت بیت شفاف و رقابتی و می‌شه حتی با صد هزار تومن عرضه دیجیتال خرید ! به عضویت توی بیت میت لینکی در اختیار شما قرار می‌گیره که می‌تونید دوستانتون رو به بیت دعوت کنید تا هم شما و هم دوستانتون نفری صد هزار تومان بیت کوین جایزه بگیرید ! اگر از طریق لینکی که توی توضیحات قرار دادیم وارد سایت بشید و ثبت‌نام کنید علاوه‌بر این که امکان دریافت بیت کوین رایگان رو دارید می‌تونید از پادکست سکه هم حمایت کنید.

مهدی ناجی : سلام این اپیزود پنجاه و نهم پادکست سکه است کاری از دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران ؛ من مهدی ناجی هستم و میهمان من در این اپیزود دکتر مجید ایمانیان دانش‌آموخته اقتصاد دانشگاه شریف و عضو هیئت‌علمی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی .

اسپانسر: چالشی که خیلی از کسب وکارها دارند اینه که نمی‌تونن میزان اثربخشی تبلیغاتی که انجام می‌دن و بسنجند ، یک‌جانبه پلتفرم تبلیغات آنلاین که با استفاده از روش‌های به‌روز و هوشمند امکان تبلیغات هدفمند و توی وبسایت‌های بزرگ و معتبر ایرانی فراهم می‌کند به‌این‌ترتیب شما می‌تونید تبلیغاتتونو با دقت بالایی به

مشتریان هدفتون نشون بدید و نتایج کمپین‌های تبلیغاتیتونو به صورت شفاف ببینید و ارزیابی کنید. یکتانت با استفاده از کلان داده‌ها و هوش مصنوعی تونسته محصولات و خدمات منحصر به فردی را در حوزه دیجیتال مارکتینگ خلق و ارائه کنه و تبدیل به مرجعی برای سرویس‌های دیجیتال مارکتینگ بشه! برای اطلاعات بیشتر به سایت یکتانت سر بزنید. لینک وبسایت مجموعه یکتانت چوب می‌تونید در توضیحات همین قسمت ببینید.

مهدی ناجی: مجید جان خوب باشه که فقر رو با تعریف شروع کنیم فقر هم از اون واژه‌ها و عبارتهایی که همه‌مون به تصویری ازش داریم ولی لزوماً اون تصویر و تعریف تو ذهن همه ما یکی نیست؛ از نظر اقتصادی به چی می‌گیم فقر و به کی می‌گیم فقیر؟

مجید عینیان: ببینید فقر مثل خیلی از واژه‌های دیگه‌ای به مفهوم عمومی می‌تونه داشته باشه که ما در زبان و ادبیات روزمره مون استفاده می‌کنیم؛ این معیار و متر مشخصی نداره و می‌تونه که بیان براش یک تعریفی در نظر بگیریم محدودش بکنیم و بتونیم قابل اندازه‌گیری بکنیمش من به مثال کوچکی بزنم فرضاً ما در مورد سلامت بدن می‌گیم یک فردی چاق هست یا نیست این چاقی در صحبت روزمره می‌تونه به خیلی موضوعات به خیریه افراد اطلاق بشه ولی در مثلاً بحث سلامت پزشکی میایم مترو معیاری براش می‌ذاریم می‌گیم بی‌ام‌آی بالای سی را می‌گیم چاقه و شخصی که بی‌ام‌آی ۲۹,۹ داره دیگه می‌گیم چاق نیست که فقر هم همین جوریه ما میایم به معیاری یک خط فقر به اصطلاح بهش می‌گیم ما اون عدد سی درمورد چاقی در مورد فقر میشه یک عدد خط فقر یک عدد خط فقر تعریف می‌کنیم می‌گیم کسی که زیر این عدد خط فقر باشه درآمدش یا مثلاً مجموع هزینه‌هاش این شخص فقیر، حالا عملاً به خاطر این که دخل و خرج و در سطح فردی نیست درصد خانوار میایم اینو اصلاً برای خانوار تعریف می‌کنیم می‌گیم این خانوار فقیر هست اگر که میزان مثلاً هزینه‌ش سرانه از مقدار خط فقر کمتر باشه فقیر نیست اگر بیشتر باشه پس ممکنه که با این تعریف خیلی‌ها اون احساسی که از فقر دارن منطبق نباشه با اون اندازه‌گیری ما هیچ کدوم من به اشتباه نیست یعنی اون احساسه ممکنه برداشته عمومی از واژه فقر باشه ولی عدد و رقمی که ما محاسبه می‌کنیم بر اساس یک تعریف معیار خاص، حالا خود عدد فقره باس انواع داره، حرف‌ها داره توش؛ به بحث اینه که این عدد خط فقر وابسته به توضیح درآمد جامعه نباشه! یعنی میزانی از هزینه‌ها، یک میزانی از مصارف پایه‌ای خانوار در نظر گرفته بشه ببینیم این چقدر هزینه داره هر کی تونست بالایی این هزینه بکنه خب فقیر نیست هر کی نتونست فقیر است.

مهدی ناجی: آهان به سبب مشخصی از کالا و خدماتی که در واقع مصرف روتین افراد یک جامعه

است؟

مجید عینیان : آره

مهدی ناجی : اها خب

مجید عینیان : این وابسته به این نیست که دیگه بقیه جامعه دارن چکار میکنند ولی یه عددی دیگه ای هم میتونه باشه که ببینیم که مثلاً همه جامعه ی سطح برخورداری دارن کسی که نتونه نزدیک اون سطح برخورداری بقیه باشه خوب اون فقیره این یه مدل تعریف خط فقره ، این مدل وابسته میشه به توضیح درآمد جامعه ؛ نوع اول که وابسته به توضیح درآمد نیست ما بهش میگیم

خط فقره مطلق ، نوع دوم رو بهش میگیم خط فقر نسبی پس دقت کنیم ! اینجا کلمه مطلق به معنی این نیست که این آدم مطلقاً فقیره و خیلی وضعش بد و اینا اصلاً اصلاً به اون معنی نیست یعنی من حالا یه تعریفه در واقع حدی ازش بخوام بگم : فرض کنید ما بیایم یه روزی تعریف کنیم خط فقر رو، هر کسی که نتونه اتومبیل بنز سوار بشه این خط فقر مطلقه هر چند که خیلی بالایی مثلاً باشه.

مهدی ناجی : در واقع خط فقر نشون دهنده یک معیاری که مستقل از وضعیت بقیه افراد جامعه است ؟

مجید عینیان : مستقل از وضعیت بقیه افراد جامعه است.

مهدی ناجی : بسیار خوب حالا هزینه ، درآمد یا میزان دارائی کدوم یک از اینها معیار تعریف خط فقره؟

مجید عینیان : در اصل اون چیزی که فقر رو تعریف میکنه وضعیت مصرف خانواره یعنی اون درآمد هم بالاخره قسط و هدفش تامین یه سری مخارج مصرفی خانواره ، پس اصل ماجرا مصرفه ؛ از اون طرف داده های مخارج هم که جمع آوری میشه کیفیت و دقتش بیشتر از داده های درآمدی در نتیجه در دنیا عملاً هم به لحاظ تعریف هم به لحاظ آسون بودن کار از داده های هزینه ای استفاده می کنند ؛ بحث ثروت نمی تونه فقر رو تعریف بکنه ۱۰۰۰۰ چون که خود ثروت که نمیداد برای ما در واقع اون رفاه نیازهای اساسی را تامین بکنه و خب طبیعتاً انباشت ثروت هم میتونه باعث ایجاد جریان درآمدی بشه یا میتونه که یه سری خدمات به ما بده که یه سری از هزینه های ما را کم بکنه فرضاً کسی که خونه داره یه ثروتش انباشته ی داره از خدمات اون خونه استفاده می کند که البته اونو و در آمارگیری ها میان درواقع هزینه زمینیه اجاره اون خونه رو برای شخص منظور می کند که درواقع سطح رفاهش رو نشون بده که این داره استفاده میکنه پس اصلی ترین معیار همون مخارج مصرفی هم نیست.

مهدی ناجی: به نظر میرسه درآمد هم نیست بخاطر اینکه شما مثلاً ممکنه ده میلیون در ماه درآمد داشته باشی ولی نه میلیون تومن مقروض داشته باشی تحت هیچ شرایطی نتونی اون رو حتی به تعویق هم بندازی، اینجا چیزی که واقعاً داره به رفاه تودر واقع به رفاه تو اثر میزاره یک میلیون تومن باقی ماندست درست میفهمم اینو؟

مجید عینیان: آره اولاً که درآمد می تونه که نوسان های زیادی داشته باشه، خب اون شخصی که می فرمایید ده میلیون نه میلیون شو مقروض و باید پس بده این احتمالاً به دوره های بوده که درآمدش خیلی پایین بوده! یا حتی منفی بوده! ورشکست شده بوده! ولی مجبور بود مخارج مصرفی شو داشته باشه برای اون حداقل های زندگی مخارج داشته باشه و مجبور به استقراض شده، در نتیجه حالا خانوار تصمیم می گیرد که جریان درآمدیش رو در طول زمان اختصاص بده به مخارج دیگه ممکنه یک دوره ای بیشتر پس انداز بکنه! یک دوره ای مقروض بشه! ولی اینان نهایتاً میاد می شینه در مصارف خانوار در مخارج مصرفی خانوار که معیار تحلیل سطح رفاه خانوار و معیار فقر خواهد بود.

مهدی ناجی: بسیار خوب از تعریف بگذریم بریم سراغ شاخص هاش واقعاً چند تا شاخص ملموس و مشخص به ما بگو توی در واقع خط فقر مطلق، حتی نسبی.

مجید عینیان: اول نسبی و بگم که بذاریمش کنار.

مهدی ناجی: قبل این که بگی اینو به ما بگو تفاوت خط فقر نسبی و نابرابری رو هم بگو، آیا خط فقر نسبی خودش به شاخص کامل و کافی برای نابرابری یا این که نه متفاوته؟

مجید عینیان: خط فقر نسبی در واقع نرخ فقر نسبی یعنی نرخ فقری که از خط فقر نسبی به دست بیاد وابسته به توزیع درآمد در نتیجه شاخص های نابرابری هم وابسته به توزیع درآمد دیگه. اینا هر کدوم به یه نوعی نگاه کردن به اون شکل توزیع درآمدن و حتی نرخ خط فقر مطلق هم نگاه کردم و اون توزیع درآمد ولی با بقیه توزیع کار نداریم اون جا می خوایم ببینیم چه مقدار از توزیع افتاده زیر این عدد مشخصه که مادر نظر داریم من بگم که دنیا کشورهای توسعه یافته معمولاً میرم سمت این که خط فقر نسبی تعریف بکنند و روی اون آمار و ارقام محاسبه بکنند

مهدی ناجی: چون یه خط فقر مطلق خیلی ...؟

مجید عینیان: خیلی موضوعیت ندارد و مثلاً کشورهای اتحادیه اروپا اون چیزی که برایش مطرح الان آمارها آماده می‌شناسم یورو یست برایش آمار آماده می‌کنه و خط فقر نسبی است ولی برای کشورهای درحال توسعه من فکر می‌کنم که تا زمانی که فقر مطلق جدی تر هست

مهدی ناجی: خیلی توصیه نمی‌شه .

مجید عینیان: خیلی جایگاه بررسی نداره فقر نسبی.

مهدی ناجی: طبیعی هم هست چه بالاخره تا بدیهیات زندگی و اولیات زندگی نمیدونم واژه ام دروسته یا نه ؟ درواقع ارضا نشه دیگه این که حالا نسبت به بقیه جامعه و نابرابری چه وضعیتی داره شاید خیلی واجب باشه .

مجید عینیان: هزینه‌های ضروری؟

مهدی ناجی: بله دروسته ، خب نرخ فقر نسبی تعریفش چیه چطور اندازه گیری می‌شه؟

مجید عینیان: یه خط فقر نسبی تعیین می‌شه چجوری؟ معمولاً مثلاً میانه درآمد جامعه محاسبه می‌شه و میانه یعنی این که : پنجاه درصد جامعه بیشتر از این درآمد استفاده میکنند.

مهدی ناجی: نفر وسطی.

مجید عینیان: نفر وسطی در نظر میگیریم و نصف درآمد نفر وسطی می‌شه خط فقر نسبی البته میشه تعارف دیگه ای استفاده کرد این معمولاً ترین تعریفشه . این جوری می‌تونه اگر جامعه توزیع درآمدش خیلی جمع تر و یکنواخت تر باشه می‌تونه خط فقر نرخ فقر نسبی یعنی درصد افرادی از جامعه که زیر اون فقر نسبی هستند می‌تواند حتی صفر باشه اگر توزیع خیلی جمع نباشه خیلی پخش بشه خیلی تعداد زیادی آدم در دو انتهای توضیح باشند میتونه خیلی درصد بالایی قابل توجه ی باشه ولی در هر صورت بالای پنجاه درصد که نمی‌تونه باشه.

مهدی ناجی: نصف درآمد در آمد یا هزینه ؟

مجید عینیان: معمولاً رو هزینه است دیگه.

مهدی ناجی: نصف هزینه ی درواقع میانه ی جامع، شاید بد نباشه بریم سراغ نرخ فقر مطلق و بعد مروری روی اعداد و رقم‌ها بکنیم، تعریف خط فقر مطلق رو بگو .

مجید عینیان: خب فقر مطلق معمولاً این جوریه که ما عدد معیار دیگه وابسته به درآمد جامعه نیست .

مهدی ناجی: در واقع یه عدد واضح و مشخصه ؟

مجید عینیان: اره ، روش های مختلفی ممکنه براش استفاده بشه مثلاً بیام یه سبدی از هزینه ها را در نظر بگیریم بگیم اینا واجبات زندگی ، مثلاً معمولاً برای خوراکی های یه سبدی در نظر گرفته می شه که یه حداقل کالری روزانه ای رو تامین بکنه برای خانوار ، اقلام دیگه یه مقدار سخته که بخوایم براش مثلاً بگین که حتماً این فرد یک پیراهن در سال رو نیاز داره یا نه میایم از یه روشی غیرمستقیمی استفاده می کنیم می گیم که خب اونایی که درواقع هزینه های خوراکی شون نزدیک همون معیار کالری روزانه است اینا ببینیم که تو ایتیم های دیگه چقدر هزینه کرده اند خب اون شخصی که هزینه های خوراکیش در سطح نیازهای ضروری هست احتمالاً بقیه مصارفشم در سطح نیازهای ضروری هست یه آدم نرفته مثلاً خونه لاکچری بشینه اینم خونه خیلی پایه ای و نیاز، تأمین کننده نیازهای ضروری راه رفته تأمین کرده بعد میام این رو که مقایسه می کنیم که ضربی به دست میاریم که می گیم فرضاً هزینه های خوراکی چهل درصد هزینه های کل این نوع خانوار ها رو به خودش اختصاص میده در نتیجه هزینه سبد خوراکی اگر X هست دو نیم برابرش مثلاً میشه خط فقر مطلق اون .

مهدی ناجی: و عددی هم داریم فعلاً در مورد اینا؟

مجید عینیان: عدد های خط فقر میتونه خیلی با توجه به جزئیات ماجرا متفاوت باشه ما چند تا خط فقر داریم بین المللی هستند ؛ بانک جهانی میده اینارو یک و نه دلار داریم ، سه و دو دلار داریم و پنج و پنج دلار داریم ، خود ایناها نشون میده که باز کشور به کشور میتونه که معیار خط فقر متفاوت باشه ، بانک جهانی برای کشور های با درآمد متوسط به بالا (higher median income) برای اینها پنج و پنج دلار را توصیه میکنند .

مهدی ناجی: پنج و پنج دلار در روز برای یک فرد ولی مسله اینه که ، اولین که چرا باید تفاوت داشته باشه چه وقتی که حرف از خط مطلق میزنیم قرار شد دیگه نگاهی به توضیح نداشته باشیم ، بنابراین مهم نیست فقط یک کشور توسعه یافته است که در کشور در حال توسعه ولی مسله اینه که یه دلار مثلاً سوئد با یه دلار در ایران متفاوت.

مجید عینیان: همون ماجرا اینه که در اقتصاد همه کالاها چون (Tradable) نیستند قابل تبادل و قابل تجارت نیستند قیمت یکسری کالا و خدمات در جاهای مختلف دنیا متفاوت یعنی: خدمت دقیقاً یکسان می تونه باشه ولی هزینه اش متفاوت در نتیجه برای تأمین اون نیاز با هزینه های متفاوتی روبرو هستند افراد، یعنی : این سه تا عددی هم که من گفتم بانک جهانی داره می گه هیچ کدوم مثلاً در کشورهای توسعه یافته نیز هستند اصلاً

برای کشورهای توسعه یافته خط فقر مطلق را معرفی نکرده البته بر اساس این خطوط محاسبه می‌شه برای همه کشورها ولی مناسب اون کشورها لزوماً نیست چون نیازهای پایه‌ای رو شاید شما در کشور سوئیس نتونید با پنج و پنج دلار تامین بکنید آنچنان هزینه‌ها بالاهاست که نمی‌شه با این اعداد هزینه رو تامین کرد؛ همان‌طور یک و نه دلار برای کشور ایران شاید مناسب نباشه.

مهدی ناجی : مناسب نباشه یعنی زیاد باشه کم باشه؟

مجید عینیان : نه خیلی کم باشه چون من حالا مثالی بزنم ما قیمت هزینه‌ای که بابابتش

مهدی ناجی : میشه چقدر مثلاً اگر که حالا دلارو فعلاً بیست و پنج تومن بگیریم یک و نه دلار هم دو دلار فرض بکنیم میشه روزش پنجاه هزار تومن یعنی در ماه یک میلیون پونصد هزار تومن ، دروسته.

مجید عینیان : هرچند که این عددی که فرمودید به این شکل نیست دیگه چون یک و نه دلار سال دو هزار و یازده با برابری قدرت خرید ، این برابری قدرت خرید قرار بود که همه این ماجرا رو پوشش بده دیگه ولی نمی‌تونه باز پوشش بده پس نه به این سادگی نیست که اون یک و نه دلار را تبدیل کنیم به ریال باید نگاه کنیم جداول PPP بانک ۲۰:۰۰ جهانیو و ببینیم که برای ایران چند درمیا و تبدیل بکنیم .

مهدی ناجی : می‌تونیم حالا به خاطر من عدد گفتم که به‌طور تقریبی بگین حدوداً چقدر می‌شه؟

مجید عینیان : راستش من نگاه نکردم PPP ها رو

مهدی ناجی : اره ، یه میلیونو پونصد احتمالاً عددی که بهش میریسم خیلی بیشتر از یه میلیونو پونصد بشه دیگه حداقل اینو می‌تونن اینو با جرعت بگیم.

مجید عینیان : نه کمتر میشه .

مهدی ناجی : حالا یه میلیونو پونصد باید بیشتر بشه که ؟ مگه نمیگیم یه میلیونو پونصد با دلار دو هزارو ...

مجید عینیان : اره بین تورم دلار از دو هزار و یازده تا دو هزار و بیست و یک خیلی زیاد نبوده پس اونس خیلی سخت نیست ، خب قدرت خرید برابر قدرت خریده یعنی پنج و پنج دلار، سبد پنج و پنج دلاری متوسط جهانیو تو ایران چقدر هزینه اش در میاد شاید مثلاً چهار دلار در بیاد یا مثلاً دو دلار تو ایران چقدر در میاد ؟ این سبد که می‌گم شامل یه سری کالای قابل تجارت است که شاید قیمت‌هاشون در سطح دنیا خیلی با هم

فرق نکنند که حتماً اون ها هم فرق داره ها ، اون مثال معروف شاخص مک‌دونالد نشون یک کالای خوراکی که خیلی هم بالاخره قابل مقایسه است در همه‌جای دنیا در دسترس چجوری قیمتش با هم فرق داره خب اجاره خونه یا مثلاً مصارف خدماتی ما مثالی که بزنم یک سلمونی ساده خب این جای به جای دنیا فرق دارد هزینه‌ای که داره برا افراد .

مهدی ناجی : بین با اون معیاره یک و نه دلار به بار بریم ، یک و نه دلار فرض کن دو دلار اگر فرض کنیم بیست و پنج تومن یعنی روزانه پنجاه تومن که در ماه می‌شه یه میلیونو پونصد درسته یعنی خط فقر یه میلیونو پونصد ؟

مجید عینیان : نه ، بین این دو دلار یا یک و نه دلار خالی نیست به اصطلاح بهش می‌گیم دلار برابری قدرت خرید اهان خوب یعنی ما باید پیام ببینیم در ایران چه مقدار پول می‌تونه سبدی رو برا ما تهیه بکنه که قیمت جهانش دو دلار ، توی این سبد یه سری کالاها وارداتی اند و قیمتش دقیقاً همون دلار بیست و چهار هزار تومن هست یکسری کالاها است که ما دولتمون داره روش یارانه می‌ده دلار چهار هزار تومن هست یه سری کالاهاست خدمات هست داخلیه، یک مثلاً آرایشگر ایرانی خیلی هزینه ی کمتری از شما دریافت می‌کند تا مثلاً جای دیگه دنیا ، این میشه که نه عدد خط فقری که ریالی از روی اون یک و نه دلار بانک جهانی حساب می‌شه خیلی پایین‌تره اینو باید جداول PPP بانک جهانی و ببینیم ولی عدد خیلی پایین‌تر برای ایران خواهد بود یعنی خیلی خیلی پایین‌تر از اون چیزی که حتی به‌نظر ما منطقی به‌نظرم برسه.

مهدی ناجی : خود یه میلیون پونصد خلی پایینه تازه اگر اون معیار PPP رو در نظر بگیریم از اون هم خیلی پایین‌تر خواهد شد، هیچ ذهنیتی داره که حدوداً با اون معیار چند درصد ابرونی ها زیر خط فقر قرار می‌گیرند ؟

مجید عینیان : ببینیم براساس خط فقر یک و نه برابری خرید یک و نه دلار ایران در سال دوهزار و هیجده بانک جهانی برایش مید نیم درصد بله در مقایسه با یکسری کشورهای بسیار فقیر زیر صحرای افریقا نرخ فقر بالایی ندارید این یک و نه دلار بیشتر مناسب اون کشور هاست، گفتم برای ایران که کشور با درآمد متوسط رو به بالا هست معیار پنجو نیم دلار است که معیار مناسب‌تری هرچند باز اون پنجره دلارم پنجمین دلار بیست و پنج هزار تومنی نیست بگیم دلار برابری قدرت خرید است.

مهدی ناجی : بله ، تعدیل شده براساس برابری قدرت خرید است ، خوب بر اساس اون یا چند درصد زیر خط فقر ؟

مجید عینیان : براساس معیار برابری قدرت خرید در سال دوهزار و هیجده چهارده درصد.

مهدی ناجی : چهارده درصد که عدد بزرگی یا نه ؟ به نسبت بقیه کشورها بگی ؟

مجید عینیان : خب نسبت به بقیه کشورها ما اگر رنکینگ درواقع فقر و نگاه بکنیم البته من به تقریبی بزنم اون کشورهایی که سالهای آخر براشون اعداد محاسبه نشده مثلاً بریم ببینیم و آخرین سالی که محاسبه شده چی هست بگذریم در بین صد و شصت و سه کشور هر چی رتبه بالاتر فقیر بیشتر میشه رتبه من و صد و هفت صد یعنی صد و شش کشور نرخ فقر از ما بیشتره و فقط پنج و شش کشور از ما کمتره.

مهدی ناجی : تقریباً میشه گفت جزء سومی هستیم که وضع مون بهتر.

مجید عینیان : جزء یک سومی هستیم که وضعمون بهتره هرچند اینو بگم که اون صدتا خیلی کشورهای کوچیک توش زیاده !

مهدی ناجی : و چرا اینو می گی ؟

مجید عینیان : به خاطری که به اینکه بگیم یک سوم اول شاید مثلاً کشورهای مهم و بزرگ دنیا..

مهدی ناجی : یعنی یک سوم جمعیت نبودند ؟

مجید عینیان : اره جمعیتی باز، چون هند و چین داریم ، مخصوصاً هند و داریم .

مهدی ناجی : می تونی هند و چین هم داری چیزی بهمون بگی که اون ها وضعیتشون چگونه ؟

مجید عینیان : خوب هند...

مهدی ناجی : هر کدوم به تنه به بار سنگینی رو بلند میکنند.

مجید عینیان : اره ، بین چین آلان بیست و چهار درصد آخرین نرخ فقر یکی براش محاسبه شده

مهدی ناجی : ما چهارده درصد بودیم چین بیست و چهار صد.

مجید عینیان : البته به مقداری اعداد چین قدیمی ترن دوهزار و شانزده

مهدی ناجی : اره بین ما اینجا خوب اون دقت نظره رو نداریم .

مجید عینیان : اره ، اخه مشکل اینه که چین به شدت و ...

مهدی ناجی : به سرعت داره

مجید عینیان: اره با سرعت داره نرخ فقرش کاهش میابه یعنی اگه کشور دیگری بود ، راستش برای آفریقایی بود مهم نبود و بیست و چهار درصد خوب بیشتر از ایران ه هند طبیعتاً بیشتره.....

مهدی ناجی: هند چند درصد؟

مجید عینیان: هند هشتاد و هفت درصد البته باز اعداد هند هم یه مقداری قدیمی سال دوهزار و یازده ولی رو به کاهش است ولی همچنان هند می‌تونم بگم بزرگ‌ترین محل تجمع فقرای دنیا است ، ما نرخ فقرهای بالاتری رو در کشورهای آفریقایی داریم ولی جمعیتشون بالا نیست.

مهدی ناجی: درسته.

مجید عینیان: هند با جمعیت خیلی بالایی نرخ فرق قابل توجهی هم داره ولی رشد سریعی هم داره و کاهش قابل توجه فقر رو هم توی هند میبینیم.

مهدی ناجی: بسیار خب اگه موافق باشید از این بخش عبور کنیم فقط حواست باشه هنوز تصویر روشن و ملموسی از وضعیت فرد مشخصاً در ایران نداریم اجازه بدین بریم سراغ تصویره که اصلاً وضعیتمون چگونه مثلاً تو یه عدد چهارده درصد به ما گفتی یه عدد برای یک و نه دلار ، فکر کنم نیم درصد حتی گفتی، ما اولین دغدغه‌ای که داریم یادمه آقای احمدی‌نژاد چند بار تو دوران ریاست‌جمهوریش به این اشاره کرد که امروز با جرات می‌تونیم بگیم که هیچ ابرونی شب سرگرسنه به بالین نمی‌گذاره ، نمی‌دونم این چقدر از نگاه پژوهش‌گری مثل تو که متمرکز تو بحث فرق هستی مسئله است و کدام یک از این معیارها می‌تونه این رو حداقل به ما بگه که واقعاً هنوز هم وضعیت را داریم یا گرسنه داریمدبه این معنی که درواقع حداقل اقل اقل نیازهاش که شب سرگرسنه به بالین نگذاره ، حالا وضعیتم چگونه؟

مجید عینیان: این جا بهتره که بریم سراغ معیار ملی خط فقر و نرخ فقر...

مهدی ناجی: یعنی درگیر یک و نه دهمو ، سه دهمو ایناها نشه ؟

مجید عینیان: اره، بین اون پنجو نیم دلار و آن هم نه دهم دلار و اینا اونا خوبن که ما مقایسه بکنیم با بقیه کشورهای دنیا ادعایی نداشته باشید که ما فقیرترین کشور دنیاییم نه اگر کسی از آمار کشورهای آفریقایی خبر داشته باشه از وضعیت هند خبر داشته باشه می‌دونه که این حرفها درست نیست هرچند می‌تونه که مثلاً یه

توضیح اضافه‌تر بیاره که ما جزو فقیرترین کشورهای دارای منابع طبیعی هستیم حالا می‌شه یه هم‌چین ، جایی بحث های کرد ولی بالاخره همین‌جوری مطلقش ما فقیرترین کشور دنیا نیستیم نه ...

مهدی ناجی: خیلی هم فاصله داریم .

مجید عینیان: اره خیلی هم فاصله داریم از اون ور با کشور های توسعه یافته ای هم که نرخ فقرشون خیلی پائینه هم فاصله داریم یعنی اینرو هم بپذیریم که کشوری نیستیم که مثلاً دیگه فقر توش وجود نداشته باشه و تعریف نشده باشه اینا ، کشور توسعه یافته هم نیستیم ولی برای بررسی سیاست های رفاهی برای تحلیل در طول زمان اینا بهتر که پیام کاره در واقع محلی انجام بدیم .

مهدی ناجی: ولی شاخصی که مبتنی بر اطلاعات داده های ملی ...

مجید عینیان: ملی باشه ، خیلی از کشور های دنیا خط فقر ملی دارن ما خط فقر یا خط فقر رسمی ، ما خط فقر رسمی نداریم !

مهدی ناجی: دلیلش چیه ؟ منظور از خط فقر رسمی اینکه چیزی که مثلاً فرض کن مرکز آمار اعلام کنه ؟

مجید عینیان: مرکز آمار اعلام بکنه ۳۰:۰۰ یا اون چیزی که فکر کنم طبق قانون دیگه با وزارت دفاع هست که اعلام بکنه هر چند که جدیداً وزارت دفاع یک گزارش پایش فقر منتشر کرده که اگر به اون اتکا بکنیم می‌تونیم بگیم که خط فقر رسمی هم دیگه آلاَن داریم .

مهدی ناجی: یعنی در سال هزار و چهارصد منتشر شده ؟

مجید عینیان: بله بله ، پایش فقر در سال هزار و سیصد و نود و نه ...

مهدی ناجی: و سابقه نداشته ؟ همچنین گزارشی ؟

مجید عینیان: نه ، در تابستان هزار و چهارصد منتشر شده با عنوان پایش فقر در سال هزار و سیصد و نود و نه .

مهدی ناجی: خب یکمی از اون گزارش به ما میگی اینکه معیار چی بوده و حالا با چه عدد های روبرو هستیم ؟

مجید عینیان: اره ، این گزارش که وزارت رفاه منتشر کرده با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس درواقع آماده شد اون بخش اعداد و ارقام فقرش از مرکز پژوهش‌ها میاد متکی به داده‌های آمارگیری هزینه و درآمد خانوار که مرکز آمار ایران این آمارگیری رو انجام می‌ده ، یه آمارگیری مهمیه از لحاظ ابعاد و تاریخچه در سطح دنیا جزو آمارگیری‌های خوب دنیا هست بهش میشه اتکا کرد بر اساس این باز یک خط فقری تعریف شده خودمون خط فقر هزاران جزئیات داره که هرکدوم از اون جزئیات رو عوض بکنی ، تعریفاً دیگه فرضاً عدد بالا پایین می‌شه پس خود صرف عدد خط فقر من فکر میکنم که خیلی اهمیت آن چنانی نداشته باشه مهم اینه که روشی که انجام می‌دی پایدار و ثابت باشه که بتونی نرخ‌های فقر و در سال‌های مختلف محاسبه کنیم و بتونیم با هم مقایسه کنیم ؛ ببینیم روندها به چه شکل بودن مگر از این گزارش بخوام اعدادش رو بیارم برای مثلاً سال هزار سیصد و نود و هشت خط فقر سرانه نهصد و شش هزار تومن متوسط کشوری ارائه شده هرچند که اعداد تو محاسبات با این نهصد و شش هزار تومن مقایسه نشده‌اند چون جابه‌جای کشور خط فقر متفاوتی در نظر گرفته شده است.

مهدی ناجی: پس معنی نهصد و شش هزار تومن چیه؟

مجید عینیان: متوسط خطوطه فقر شه .

مهدی ناجی: آهان ، پس به تفاوت درواقع در تهران و مثلاً یه شهرستان کوچیک شهر کوچیک یه روستای کوچیک توجه شده توجه شده ؟

مجید عینیان: توجه شده ، درواقع همون توضیحات چیزیه که دادیم که یک و نه دلار کشورهای فقیر برای کشورهای توسعه‌یافته یا با درآمد متوسط مناسب نیست ، در داخل کشور هم یک عدد خط فقر برای کل مناطق جغرافیایی کشور مناسب نیست که یکسان و ثابت باشه و این خط فقر که برای سال نود و نه هم با یه رشد سی و هشت درصدی میرسه به یک میلیون و دویست و پنجاه و چهار هزار تومن البته در گزارش برآورده شه ولی با انتشار داده‌های جدید می‌شه که خود محاسبه عدد رو هم داشت ؛ ما نرخ فقرمون افزایش پیدا کرده در طول نیمه دوم دهه نود از بیست درصد سال نود و چهار رسیده به سی و دو درصد در سال نود و هشت اینا آمار رسمی وزارت رفاه هست...

مهدی ناجی: یه بار دیگه ببخشید ، از ..؟

مجید عینیان: از بیست درصد در سال نود و چهار رسیده به سی و دو درصد در سال نود و هشت

مهدی ناجی: یعنی در سال نوده و هشت تقریباً یک‌سوم با این تعریف یک‌سوم ایرانی‌ها با این

تعریف....

مجید عینیان: بله ، در سال نود و نه هم با محاسبات غیررسمی میرسه به سی و سه درصد...

مهدی ناجی: یعنی به یک سوم ابرونی‌ها با این تعریف فقیرن و اون تعریف هم عددش تقریباً می‌شه ماهی حالا فرض کنیم ، حالا اگر خب ذهنیت درواقع ملموسی داشته باشیم یک و نیم فرض کن در ماه برای هر نفر که عدد بسیار کوچکی درست می‌گم من دارم خیلی تقریبی فقط می‌گم؟ که تبدیل به ذهن بشه .

مجید عینیان: آره، در استفاده از خطوط فقر باید به چند تا نکته توجه داشته باشید این یکی تفاوت‌های بین مناطق مختلف کشور هست ، یکی اهمیت صرفه اقتصادی در بعد خانوار یعنی یک خانوار چهارنفره لزوماً دوبرابر یک خانوار دونفره هزینه نداره اینو توی تبدیل کردنش به یه ضریبی لحاظ می‌کنیم که توی گزارش وزارت رفاه این توضیحات درواقع لحاظ شده مثلاً برای خانوار سه‌نفره در مناطق شهری و شهرهای بزرگ این اعداد حالا به صورت نمودار ارائه شده که در تهران درمیان بالای پنج میلیون تومن برای یک خانوار سه‌نفره ولی در یه سری از مناطق کشور زیر سه میلیون تومن برای سال نود و نه ما که الان در سال هزار و چهارصد داریم صحبت می‌کنیم ذهن ها ارقام رو با قیمتای الان مقایسه می‌کنه باید توی محاسباتمون یه تعدیل درواقع قیمتی برای این داشته باشیم که ذهنیتون درست باشه...

مهدی ناجی: خب مجید جان به نظرم یه کار دیگه ای بکنیم ، یکم از جزئیات بیایم بیرون شما به ما داری میگی که در سال نود و نه برآورد شما اینه که بیش از سی و سه درصد مردم ایران فقیرن یعنی چی فقیرن یعنی در تامین مایحتاج اولیه زندگی خودشون دچار مشکل اند؟ درست می‌فهم اینو؟ و این که تامین مایحتاج اولیه منظور چیه آیا مثلاً حتی ممکنه خوراک کم باشه یا این که بیشتر مثلاً فرض کن اغلبشون مسئله مسکن و پوشاک و حتی بهداشت دارن؟

مجید عینیان: تقریباً همشون هست چون وقتی درمورد خانوار فقیر حرف می‌زنیم دیگه هزینه‌ها همه هزینه‌های ضروری درنتیجه خوراکی هست وقتی در تامین سی درصد جامعه وقتی در تامین هزینه‌های خوراکیشون دچار مشکل اند یعنی این که هزینه‌های خوراکیشون اون میزان کالری تعریف شده جهانی رو با توجه به ساختار سنی خانواده که افراد در رده‌های سنی مختلف نیاز کالری متفاوتی دارن این رو نمی‌تونن تامین بکنه ، می‌دونیم البته خوراک و غذا فقط بحث کالری نیست کیفیت غذا هم مهمه ولی مطالعه ما نشون می‌ده که تقریباً خانواری که می‌تونن کمیت غذا یا کالری غذا رو تامین بکنن کیفیتش هم پروتئین مورد نیازش اینا می‌تونن کنارش تامین بکنن و اون کیفیت و کمیت همراه هم هستن یه مقداری در تامین غذا دچار مشکل هست هم‌زمان محل سکونتش احتمالاً ویژگی‌های مطلوب حداقلی یک محل زندگی مناسب رو نداره هم‌زمان روی

هزینه‌های آموزش بهداشت اینا احتمالاً خیلی از این هزینه‌ها رو مجبوره کنار بگذاره، می‌دونیم که خانوار وقتی یک شوک درآمدی بهش وارد می‌شه اولویت داره توی کم کردن هزینه‌هاش طبیعتاً اول از پس‌اندازش می‌زنه پس‌انداز نمی‌کنه از پس‌انداز قطعی برمی‌داره هزینه‌های غیرضروریش و احتمالاً کاهش می‌ده هزینه کالای بادوامش رو کاهش می‌ده چون کالای بادوام نیاز به تعویض داره ننگه می‌داره برا زمانی که اوضاع بهتر باشه ولی وقتی این تغییر درآمد دائمی این یه خیلی بین رده های مختلفه مصرفی فرقی وجود نداره یعنی دیگه تا ابد که نمی‌شه کالاهای بادوام تهیه نکرد و کیفیت کالای بادوام که تهیه می‌شه میاد پایین خب طبیعتاً کیفیت خوراک و کمیت خوراکی تهیه می‌شه میاد پایین کل سبد مصرفی تحت تاثیر قرار می‌گیره و حالا با توجه به اون ضروری یا لوکس بودن نسبی کالاها طبیعتاً متفاوت خواهد بود.

مهدی ناجی: و هیچ اطلاعاتی داریم که این سی درصد، سی و سه درصد یا یک‌سوم مردم بقیه ایران کجاها درواقع توزیع جغرافیایشون چطوره و بیشتر کجاها مستقراً؟

مجید عینیان: دقیق‌تر اگه بخواهیم راجه توزیع جغرافیایی فقر حرف بزنیم و به این نکته توجه کنیم که داده‌های آمارگیری هزینه و درآمد برای ارائه آمار در واحدهای کوچک جغرافیایی بهینه نشده‌است!

مهدی ناجی: بیشتر توضیح بدهید.

مجید عینیان: یعنی این که ما اگر می‌خواهیم در سطح شهرستان مثلاً آمار فقر ارائه دادیم و نشون بدیم فلان شهرستان بیش از پنجاه درصد افرادشون فقیرند فلان شهرستان خیلی کمتره فقر، نیاز داریم که توی اون شهرستان یه نمونه قابل توجهی داشته باشیم بعد برای اون نمونه مخارج و هزینه‌ها محاسبه بشه و بگیم که مثلاً این‌جا این تعداد خانوار فقیر شدن این تعداد خانوار فقیر نشدن آمارگیری هزینه و درآمد برای این منظور بهینه نشده یعنی بعد نمونه‌اش آن‌چنان بزرگ نیست که ما رو به یه هدف برسونه....

مهدی ناجی: حتی در مقطع استانی هم؟

مجید عینیان: در مقطع استانی بد نیست برای ارائه میانگین هزینه بهینه‌شده ولی باز وقتی دو تیکه می‌کنیم فقیر و غیرفقیر ممکنه که مقداری ما را اذیت بکنه، یه نکته دیگه هم اینه که در سطح استانی یه نکته دیگه هم اینه که در سطح استانی ما وقتی خطوط فقر متفاوتی برای کشور در نظر می‌گیریم خود این خط فقر بالا پایین شدنش نرخ رو بالا پایین می‌کنه و قابلیت مقایسه دوتا استان رو با هم کم می‌کنه.

مهدی ناجی: چرا نفهمیدم ۴۰:۰۰ چرا قابلیت مقایسه رو؟

مجید عینیان: خب ببینید ما توی این کار...

مهدی ناجی: مثلاً بزار ساده‌اش بکنیم دیگه دو تا استان داریم یکی‌اش قیمت‌ها توش گرون‌تره یکی ارزون تره خب طبیعتاً خط فقری که برای استان گرون‌تر در نظر می‌گیریم و تعریف میکنیم یه کمی باید بالاتر از استان ارزون‌تر باشه این چه مشکلی داره؟

مجید عینیان: اره ، خب ببینید یا ما باید بیاییم مثلاً سی و یک خط فقر متفاوت بر استان‌ها داشته باشی یا اگر شهری و روستایی شو جدا بکنیم به روی شصت و دو تا دیگه شهرستان‌های بزرگ رو از بقیه استان جدا کنیم بره روی هفتاد و خورده‌ای هفتاد تا اونجا باید محاسبه خط فقر دچار مشکله بعد نمونه میشیم چی کار می‌تونیم بکنیم میام استان‌ها را با هم تجمیع بکنیم مثلاً بین شیش تا خط فقر شهری بدیم شش تا خط فقر روستایی بدیم خوب این کاریه که این مطالعه انجام‌شده ولی اینجا چه کار میکنیم استان‌هایی که هزینش تقریباً نزدیک هم با هم میذاریم استان‌هایی دیگه یه گروه با هم میذاریم ، حالا یه استانی ممکنه که این وسط یه جوری باشه که بشه هم تو این گروه گذاشت هم بشه توی اون یکی گروه گذاشت....

مهدی ناجی: خلاصه کردن ممکن چیز بشه ، دروسته.

مجید عینیان: بعد اگه بذاریم تو این گروه با خط فقر پایین‌تر چون اینا درآمدشون بیشتر و هزینه بیشتر توشو اینا نرخ فقر پایین‌تری براش محاسبه میشه برش داریم تو اون یکی گروه یا خط فقرش بالا میره ، نرخ فقرش به بالا میره برای همین در دادن اعداد دقیق به‌ازای استان‌ها من یه مقداری درواقع ملاحظه دارم که این کارو نکنند....

مهدی ناجی: باشه عدد بهمون نگو ولی میتونی بهمون بگی ... اره ، کجاها بیشتره؟

مجید عینیان: ولی کلیت اره میتونیم بگیم ، اره اینم باز دو تا بحثه ! تعداد افراد فقیر کجا بیشتره یا درصد افراد فقیر کجا بیشتر ، تعداد اگر من بخوام بگم مطمئناً تهران درصد....

مهدی ناجی: جمعیتش بیشتره.

مجید عینیان: درصد بخوام بگم سیستان بلوچستان ، سیستان بلوچستان جمعیت زیادی نداره که حتی اگر صددرصد هم باشه نرخ فقر اونجا به تعداد فقرای تهران نمیرسه ! بخواهیم تقریبی بگین استان‌های بلوچستان ، خراسان شمالی ، قم اینا با نرخ‌های فقر نزدیک به پنجاه درصد براشون محاسبه می‌شه از اون‌ور استان‌های مازندران ، بوشهر ، کردستان ، اردبیل ، زنجان و البرز نزدیک بیست درصد نرخ‌های فقر پایین‌تر کشور هست .

مهدی ناجی: مجید جان اگه موافق باشید بریم سراغ این که این روند روبه رشد فقیر شدن در ایران دلیلش از کجا میاد ، هیچ مطالعه ای مشخص و روشنی داری و می تونی بهمون بگی صادق عواملی که توی این زمینه موثرند نام ببری؟

مجید عینیان: ببین من بدون اینکه بخوام وارد پیچیدگی های فنی و جزئیات علمی ماجرا بشم اگر خیلی ساده بخوام بگم اون چیزی که کاهش فقر و ایجاد می کنه که حالا برعکسش می شه افزایش فقر رشد اقتصادی؛ ما نیاز داریم رشد اقتصادی داشته باشی و این رشد اقتصادی به اصطلاح فراگیر باشه یعنی این که همه کشور ازش بهره مند بشن ، ما رشد اقتصادی داشتیم شاید به اندازه ای که باید فراگیر نبوده ولی در طول مثلاً دهه های گذشته در طول پنج دهه گذشته بالاخره نرخ فقر در کشور ما رو کاهش داده رشد اقتصادی اگر فراگیر بود و همون میانگین پنج درصد میومد به همه جامعه می رسید شاید نرخ فقر ما الان کمتر بود ولی رشد ما به ویژه رشد نفتی ما خیلی فراگیر نیست یعنی سال های رونق ما معمولاً نمی تونه خیلی نرخ فقر رو تحت تاثیر بذاره رونق و رکود مون چون خیلی رونق و رکود نفتی هست میاد تو همون دهک های بالا توزیع می شه و سال های هم که نیست باس همون دهک های بالا خیلی ضرر میکنند....

مهدی ناجی: این موضعی که میگی برای خودت خیلی طبیعی و راحت از عبور می کنی و خیلی مسئله مهمیه !

مجید عینیان: اره مهمه مهمه...

مهدی ناجی: بخاطر اینکه نفته قراره که ثروت ملی باشه ولی نیست دیگه و با کلی ادعا ها ، شعار های بزرگ ،

مجید عینیان: نیست مال همه نیست ...

مهدی ناجی: اره نفت مال همه نیست .

مجید عینیان: نفت مال همه نیست نفت ماله یه بخشی از جامعه هست به اصطلاح اگر بخوایم بگیم این موضوع هست پس در بلندمدت اصل ماجرا فقط همون رشد اقتصادی ، ما اگر رشد اقتصادی پایدار داشته باشیم فقر مون میاد پایین اگر نداشته باشی فقر نمیتونه خیلی بیاد پایین !

مهدی ناجی: و رشد فقر یعنی افزایش فقر و شما عامل کاهش رشد اقتصادی می دانیم و کاهش رشد اقتصادی میتونیم که بگیم عامل اصلیش تحریمه حداقل توی چهار پنج سال گذشته؟

مجید عینیان: توی چهار پنج سال گذشته مطمئناً تحریم بوده یکی از مهم‌ترین عواملش و مستقیم روی فقر خانوارها نشسته.

مهدی ناجی: یه مسئله‌ای که مطرحه بین تو از رشد اقتصادی حرف می‌زنی به نظر می‌رسه که هیچ رسالت یا مأموریت مستقیمی برای دولت قائل نیستی حداقل از جوابتون همچین چیزی بر میاد که تلاش می‌کنیم برای کاهش فقر اینو درست می‌فهمم؟ یا نه؟

مجید عینیان: خب ببین نه لزوماً این جوری نیست اصلی‌ترین و مهم‌ترین ابزار کاهش فقر رشد اقتصادی یعنی دولت‌ها اگر جدی هستند در کاهش فقر باید به این فکر کنند که رشد اقتصادی و چه شکلی ببرم بالا رشد اقتصادی اشتغال‌زا که شغل برای افراد ایجاد بشه که این‌ها بتونند درآمدی داشته باشند که هزینه‌ها رو پوشش بده ولی این را از یاد نبریم که در فرآیند رشد اقتصادی بالاخره افرادی هستن که از این قطار رشد اقتصادی جا می‌مونن توانایی بهره‌مندی از رشد اقتصادی را ندارند توانایی کار ندارند مثلاً یک خانوار که مسن هستند دو تا زن و شوهر خیلی مسن یا یک پیرزن مسن خوب این که نمی‌تونه کار بکنه خب این که نمی‌تونه کار بکنه در بازار کار مشارکت داشته باشد رشد اقتصادی اصلاً ده درصد باشه خیلی خیلی به فرد نخواهد رسید؛ ما در کنار رشد اقتصادی بالا نظام‌های حمایتی برای افرادی که نمی‌تونن از این رشد اقتصادی بهره‌مند بشن رو باید داشته باشیم افراد مسن هستند قاعدتاً نظام‌های بازنشستگی باید اونو تأمین بکنند ولی خب ممکنه باز کسانی باشند که از ساختارهای بازنشستگی جامونده باشن...

مهدی ناجی: یا حتی ممکنه بازنشستگی برای کسی که دوره‌ی قابل توجهی کاره در واقع با ارزش افزوده کرده ولی ممکنه که یه نفر معلول باشه ، معلولیت ذهنی باشه ، بیمار باشه

مجید عینیان: بله معلول باشه جسمانی یا ذهنی یا به هر دلیلی باز مانده از کار باشه و نتونه که اون انباشت ثروته در قالب صندوق بازنشستگی و ایجاد کرده باشه ، همه این‌ها نیاز داره که کمک بشه و یک نظام حمایتی بیاد این‌ها رو یه تور حمایتی باشه که همه رو بگیره بباره یه مقداری بالاتر ولی حواسمون باشه این توصیه برای یک درصد کوچیکه و هزینه‌ی نجات این درصد کوچکی از فقر از بقیه جامعه داره تأمین می‌شه از پیش‌نیاز همین کارها هم همون رشد اقتصادی ، ببینید امروز مطمئناً خیلی از مخاطبان این پادکست ما من به جرعت می‌تونم بگم که زیر خط فقر نیستند گوش می‌کنند این پادکست رو اگر بخواهیم متکی به نظام حمایتی باشیم برای کم کردن فقر باید از تک‌تک شماها مالیات بگیریم ! و بدیم به فقرا آیا وضع شما اصلاً جوری هست که بتونید اینو ساپورت بکنید؟ به کشوری که رشد اقتصادی نزدیک به صفر داشته چند سال متوسط این چند سال گذشته که اصلاً خیلی منفی بوده تقریباً متوسطی که خودش هشتش گرو نه هشه ! ببینید من همون اول پادکست گفتم که فقر یه بحث اندازه‌گیری و تعریف محدودکننده اقتصادی داریم یه کلمه عمومی زبان و ادبیات

خودمونم که داریم بالاخره همین افرادی که من میگم پادکست رو می شنوم و فقیر نیستند آیا نسبت به گذشته خودشان فقیرتر نشده اند؟ چرا شدن خب آیا این ها می تونن ساپورت کنند یک سیستم حمایتی از درواقع حمایت فقرا رو؟ نه نمی تونن پس همون جوری که معتقدم یک نظام حمایتی باید باشه اولاً اون نظام حمایتی نمی تونه برای همه کشور باشه اینکه همه پیام یارانه بدیم خوب پولی این یارانه از کجا میاد ما می تونیم پول چاپ کنیم ولی مجموع تولید کالا و خدمات داخل کشور که با این حرکت ها زیاد نمی شه که این مجموع بالاخره باید بیشتر بشه که بتونه حمایت کنه ۵۰:۰۰ از خانوار های فقیر ، میگم من میگم من اصلاً قائل به این نیستم که دولت هیچ کاری در عرصه برنامه های رفاهی نباید بکنه ولی این فکر که برنامه های رفاهی هستند که قراره مارو از فقر خارج کند نه اصلاً فقط بمون متکی شدن کاره اشتباهیه .

مهدی ناجی: خوب یعنی شما تمرکز اصلیت برای کاهش فراگیر فقر و رشد اقتصادی و همه سیاست ها و اقداماتی که در راستای افزایش رشد اقتصادی هست و بعداً میگی که به صورت مشخص اون افرادی که از این رشد باز می مونن رو می شه شناسایی کرد و بهشون کمک کرد ولی به نظر می رسه ما نهاد های خیلی رنگارنگ مؤسسات زیادی داریم که رسالتشون و وظیفشون همینه که این شناسایی و این حمایت ها را انجام بدهد حالا چند مورد که به ذهنم می رسه بنیاد مستضعفان که حالا اسمش مستضعفان نمی دونم واقعا هم چین ماموریتی داره یا نه ، کمیته امداد بهزیستی مشخصاً وزارت رفاه که حالا به نسبت شما اونها هم همیشه بررسی کرد ، از یه طرف شما داری رشد آشکاره درواقع افزایش آشکار فقر رو ازش اسم می بری از طرف این نهادها مشغولاً می تونیم بگیریم این ها مؤثر نبوده اند یا نتیجه ی کارشون خیلی نتیجه ی مشخصی نداشته اند در کاهش فقر یا اینکه که نه ممکنه بگه اوضاع خیلی از این بدتر باشه و این نهادها علی رغم همه تلاش ها و تأثیری که داشتند با این وضعیت را داریم؟

مجید عینیان: چند تا موضوع است یکی این که یه مقداری حرف زدن درمورد این که اگر این نهادها وجود نداشتن نرخ فرق الان چه میشد کاره سخته اره ما اقتصاد اونا می دونیم که یه هم چین مقایسه هایی کاره سخته ، یه نکته دیگه اینه که تجربه بین المللی نشون داده که ساختارهای بوروکراسی چنین نهاد هایی به شدت منابع رو اطلاق می کند یعنی یک هزینه عظیمی انجام می شه این تا بیاد برسه به سطح خانوار و تبدیل به رفاه خانوار بشه خیلی مستهلک می شه! یعنی مثلاً مثال های بین المللی هست مطالعاتی که شده شاید از ده دلار هزینه ای که اون اول جریان مالی وارد یک نظام حمایتی این شکلی شده اون تهش یه دلارش به خانوار نرسیده پس این رو هم در نظر داشته باشی گفتم اینه که اگر نبودند اوضاع چی می شد هم نمی تونیم حرفی بزنیم ممکن

خیلی اوضاع بدتر می‌شد ، بعضی از این نهادهایی که اسم بردید نه وظیفه تعریف‌شده‌ای در قبال فرق ندارد یعنی من بنیاد مستضعفان را در جایگاه نمی‌بینم بنیاد اداره اموال حکومتی من می‌تونم اسمشو بذارم نه بنیاد کمکی...

مهدی ناجی: اره من بخاطر عنوانش گفتم راست میگی.

مجید عینیان: سازمان بهزیستی تعریفش و رسالتش شاید لزوماً خیلی مستقیم روی فقر نیست روی گروهی از خانوارهایی هست که ممکنه دچار فقر بشن به‌خاطر شرایطشون ، کميته امداد امام کاملاً هدف و رسالتش منطبق با کاهش فقر نظام‌های شناسایی و حمایتی دارند ولی خب اینم ببینیم که بودجه هاشونو عدد و رقم هاشو نسبت ب مثلاً کل اقتصاد کشور چه‌قدره؟ چند درصد؟ یعنی وقتی می‌خوایم اینا رو قضاوت بکنیم که چقدر موفق بودن باید ببینیم که در مقابل یک اقتصاد هشتاد میلیون نفری چقدر بزرگ بودن در کنار همه این‌ها در کنار همه اینها

مهدی ناجی: اطلاعاتی داریم ازشون ؟

مجید عینیان: منتشر می‌شه آره منتشر می‌شه عدد رقم‌ها کميته امداد که خیلی شفاف اعداد کارهاشون منتشر می‌کند ولی در مقابل اینها بزرگ‌ترین نظام حمایتی رو ما داشتیم ، پرداخت یارانه نقدی که اعداد مشخصاً واقعاً متفاوت از این صحبت‌ها چند تا خوبی داشت چند تا بدی داشت و بزرگ‌ترین بدیش رو که بخوای شروع بکنیم یکی از روز اول تراز نبود یعنی یک...

مهدی ناجی: آغازش با کسری بود؟

مجید عینیان: آغازش با کسری بود و در نتیجه نمی‌تونست ادامه‌دار باشه دومین ایرادش این بود که خیلی هدف‌گیری شده نبود تارگت نبود حالا اسمش رو گذاشته بود و هدفمندی ولی تارگتینگ توش نداشت که...

مهدی ناجی: به چه معنی و هدفمند ، یعنی هدفمند اینکه برسه به خانواده‌هایی های فقیر ؟

مجید عینیان: برسه به خانوار های فقیر ، درمورد خوبی‌هاش اینکه به شدت اون درصد اینی که گفتم از ده دلار چند دلارش به خانوار میرسه درصد رسیدن منابع به دست مصرف‌کننده نهایی توش به‌شدت بالا بود این هزینه‌های سربارش درصدی خیلی خیلی کم بود این در واقع یکی از مزیت‌های نکات مثبت طرح بود ! و می‌تونست که روی نرخ فقر مؤثر باشه خیلی نبود دلایلی هست...

مهدی ناجی: بگو برامون دلایلیش.

مجید عینیان: اره دلایلش اینکه خب انتظار داریم تو اون سال حداقل سال اولی که اجرا شده خیلی خب عدهای خوبی به نسبت درآمد خانوارهای فقیر عدد خوبی بهشون پرداخت شده انتظار داریم مصارف و اینها خیلی بالاتر رفته باشه و بتونن که رفاه خیلی بیشتری کسب کنن مشکل اینجاست که چون حداقل به نظر می‌رسد از نظر عوامل اقتصادی این یه چیز پایدار و بلندمدت نبود ما رشد تقاضا داریم توسط خانوار فقیر عرضه همراه باهاش افزایش پیدا نکرده ، ما در سال نود اولین سالی که طرح کامل اجرا می‌شه می‌بینیم که قیمت خوراکی که خانوارهای فقیر باهاش مواجه اند به شدت میره بالا شاید توی اعداد CPI که متوسط کشوری هستند این دیده نمیشه ولی برای خانوار فقیر مثلاً گوشتش تقاضای گوشتشون میره بالا و قیمت گوشت به شدت میره بالا برای اینکه مصرف گوشتشون خیلی نمیتونه بره بالا حالا چرا تولید بیشتر نشده فقط قیمت افزایش پیدا کرده ؟ چون تولیدکننده احتمالاً اعتقاد نداشته که این طرح‌های پایدار و بلندمدت هست اگر اعتقاد داشت شاید سال اول همچنان یه شوک قیمتی داشت ولی در بلندمدت می‌تونست که ساختارهای تولید و توزیع و هم تحت تاثیر بذاره و قیمت‌ها اونجوری عجیب عوض نشه که خنثی بشه تاثیر نداشت یعنی نهایتاً می‌بینیم که اون پوله هم اومده در یک ساختار توزیع کالا و خدمات جمع شده به جایی که تبدیل به رفاه خانوارهای فقیر بشه جمع شده تو اون ساختار توزیع رسیده بالاخره به اون سرده‌های توزیع کالا و خدمات.

مهدی ناجی: عجیبه ، به نظرم بد نیست یه کم به حالا که بحث پیشومد در مورد همئن هدفمندی که اشاره کردی و حالا مشخصاً سیاست **یو بی آی** چه میتونیم ترجمش کنیم؟ درآمد پایه ای عمومی...

مجید عینیان: درآمد پایه ای عمومی.

مهدی ناجی: در مورد این چند دقیقه صحبت کنیم ببین یه مشکلی که هست درسته که می‌گی که هدفمند نبود ولی یک دلیلی که داشت برای درواقع میشه داشت را بیان کرد اینه که شناسایی کار ساده‌ای نیست واقعاً و شما می‌تونین درآمد رو به همه بدید و بعداً از طریق مکانیزم‌هایی مثل مالیات بر درآمد خانوار اون مازاد رو از خانواده‌هایی که واقعاً نیاز به عدد و رقم‌ها ندارن جمع بکنند از این نظر نباید مسئله جدی باشه و چیزی که یه کمی تو صحبت تو می‌تونه نگران‌کننده باشه اینه که می‌گه که حداقل تجربه نسبتاً موفقی که ما داشتیم برای هدفمندی یارانه‌ها در سال هشتاد و نه به بعد تو به عنوان یک پژوهشگر حوزه فهم میگی تاثیر جدی روی رفاه خانواده فقیر نداشته و دوست دارم اون تجربه رو با این نگاهی که من حالا در مورد یو بی آی گفتم با هم ترکیب بکنید و به ما یک توصیه‌ای داشته باشید، توصیه پدران.

مجید عینیان: بین یو بی آی ایده ی خوبیه ولی باید توجه داشته باشیم که توی یو بی آی اون مسئله این که منابع از کجا تامین می شه همچنان هست...

مهدی ناجی: درسته ، ببخشید به عرض بکنم که مخاطب را گمراه کرده باشیم یو بی آی چیه ؟ یو بی آی رو بگیریم چیه .

مجید عینیان: یو بی آی ایده ای که می گه به همه فارغ از وضعیتشون و کار داشتن یا نداشتن چون میزان رفاهشون یک مقدار درآمد پایه ثابت رو ماهانه پرداخت بکنی....

مهدی ناجی: اون زمان هشتاد و نه اتفاق افتاد هشتاد و نه بعد اتفاق افتاد رو می تونی مصداقی از یو بی آی بدونیم ؟

مجید عینیان: می تونیم آره مصداقی از یو بی آی بدونیم ، یو بی آی ایده اش اون های که سطح جهانی مطرح می کنند اینه که درواقع یک تور حمایتی است که از به صفر رسیدن درآمدها جلوگیری می کنه یعنی هیچ کسی محتاج نان شب نباشه حداقلی که نون شبش رو بتونم بخره دو اینکه یه مقداری بحث های روان شناسی فقر و اینا رو هدف می گیره که بار فشار روانی روی فقرا رو کم می کنه و امکان خلاقیت به این ها می ده که بتونن فعالیت اقتصادی خوبی داشته باشند و کسی که فقط به فکر داده شبش نباشه و احتمالاً می تونه بهتر ایده های بهتری برای گسترش کسب و کارش و معاش خودش داشته باشه...

مهدی ناجی: میشه به اندازه خودش احتمالاً ریسک کنه آموزش ببینه؟ ۰۱:۰۰:۰۰

مجید عینیان: آره، سوم اینه که نابرابری در قدرت چانه زنی ها رو یه مقداری کنترل می کنه یعنی کارگری که در یک محیط کار خیلی ناعادلانه داره کار می کنه ولی به دستمزد آخر ماهش محتاج خیلی احتمالاً زمان درازی درمقابل کارفرما نداره قابلیت چانه زنی نداره چون که واقعاً به صفر می رسه اگر این کارو ترک بکنه ولی اگه یه یو بی آی برقرار باشه میتونه که...

مهدی ناجی: کاملاً قابلیت این رو داره که ازش سوءاستفاده بشه؟

مجید عینیان: آره کاملاً این قابلیت وجود دارد که از کارگر سوءاستفاده بشه یو بی آی میاد این ریسک رو یه مقداری از سمت کارگر می گیره می تونه اگر شرایط ناعادلانه باشه شاید دو طرف بالاخره هم بر کارفرما کارگر باید عدالت برقرار بشه اگر ناعادلانه بشه می گه من کار نمی کنم برای شما آره فوقشم دو ماه بیکارم سه ماه بیکارم البته نظام های بیمه بیکاری سعی می کنند همین کار رو انجام بدن ولی خیلی پیچیده می کنند کارو یو بی آی می گه دیگه ما جزئیات اینه که فرد چند ماه کار کرده بود الان بیکار شد مدرک مستدل و بیکارش وجود داره

ندارید اصلاً این کار نداره به همه یک درآمد پایه‌ای باید پرداخت بشه ولی به شرط خیلی اساسی داره هیچ منابعی از کجا باید بشه یک اقتصادی باید وجود داشته باشه یک درآمد زیادی در جامعه وجود داشته باشه و بتونیم به بخش‌های مالیات بگیریم و بدیم به ، به صورت یو بی‌ای به همه افراد ؛ ایده یو بی‌ای عملاً یا در کشورهای توسعه‌یافته قابل اجراست یا در کشورهایی که منابع طبیعی خیلی عمده‌ای دارن که به جابشه مثلاً برای یو بی‌ای استفاده کرد والا در کشورهای در حال توسعه با مالیات گرفتن خیلی نباید امیدوار باشیم که بتونیم یو بی‌ای ...

مهدی ناجی: خب ما توی اون دسته دسته دوم هستیم یا نیستیم؟ به هر حال عالی به هر حال درآمدهای...

مجید عینیان: اره ما درآمد نفتی داریم ۰۱:۰۲:۰۰ ولی سوال اینه که چقدر این درآمد نفتیه میتونه که ، یعنی ما درآمد نفتی کشور کلاً بزاریم واسه یو بی‌ای ، خوب ایده خوبیه ولی اونوقت مثلاً دولتی که بودجه اش سالاهاست وابسته است به درآمد نفت میخواد چیکار کنه بعد از اونور واقعاً ببینیم که درآمد نفتی وقتی اینجوری تقسیم میکنیم بین همه چقدر عدد قابل توجه میشه و اینا یعنی طبیعتاً واسه یو بی‌ای که ما میخاییم برقرار بکنیم به واسطه پول نفتمون خب با یو بی‌ای کویت مطمئناً متفاوت خواهد بود اگر متکی به درآمد منابع طبیعی در واقع بخاییم یو بی‌ای برقرار بکنیم ، ببینید مثلاً همون سال ۸۹ که یارانه ۴۵ هزار تومانی برقرار شد اگر می‌خواست که درواقع تعادلی در درآمدها و هزینه‌های طرح هدفمندی یارانه ها برقرار باشه محاسبات اون موقع میگفت که مثلاً باید ۱۷ هزار تومان باشه بجای ۴۵ هزار تومان که این یک فرایند پوپولیسیم رسید به ۴۵ هزار تومان و باعث کسری های شدید در طرح شد.

مهدی ناجی: ولی اره این نکاتی که داری میگی خیلی نکته درست و مهمیه ! ولی چیزی که تصمیمی که حداقل من داشتم...

مجید عینیان: اینو میخام بگم میخوام بگم اون ۱۷ هزار تومان واقعاً چقدر میتونه به ایده یو بی‌ای نزدیک باشه یعنی مثلاً طرف با ۱۷ هزار تومان در ماه گرفتن می‌توانست بره جلوی کارفرما بگه من با این شرایط ناعادلانه نمیخوام برات کار بکنم ؟ یا میتونست نان شبشو تامین بکنه !؟ میتونست کمک حالش باشه ها ولی ایا واقعاً اون ایده های پایه ای یو بی‌ای رو میتونست تامین بکنه ؟ من فکر نمیکنم یعنی من فکر میکنم ما الان در کشور در اون سطح از توسعه یافتگی نیستیم که بتوانیم واقعاً یک یو بی‌ای به معنیه یو بی‌ای ایده آل های یو بی‌ای رو برقرار بکنیم ؟ ولی میتونیم روی رشد اقتصادی حساب بکنیم برای کاهش فقر و در عین حال یک نظام های حمایتی محدودی برای ارائه حمایت برای درصد خیلی کوچیکی از جامعه داشته باشیم.

مهدی ناجی: بسیار خب ، من دوست دارم به عنوان سوال آخر یکسری در واقع شما برامون یکم

اشاره بکنید به سیاست های موثر دیگه ای که در دنیا تجربه شده برای کاهش فقر ، میفهمم که اصلی ترین سیاست یا اصلی ترین عامل شما رشد اقتصادی دیدی ولی از اون که بگذریم آیا سیاست مشخصی هست که بخای برامون معرفی بکنی برای کنترل و کاهش فقر ؟

مجید عینیان: اره ، اصلی ترین ماجرا که رشد اقتصادی برنامه های حمایتی در کنارش هستن ولی به جز اینها تک تک تصمیمات اقتصادی که دولت ها می گیرند یه تاثیرات رفاهی یا حداقل باز توزیعی رفاهی بین خانوارها دارند ، مثلاً حداقل دستمزد یک سیاستی که حمایت می کند از کارگران فعلی که کار دارند به هزینه کارگران که کار ندارد...

مهدی ناجی: حتی سالیست های حقوق دستمزد خیلی چالش برانگیزه دیگه بحث جدیه می دونی چقدر موثره یا نه؟

مجید عینیان: اره اره اره، اینکه حداقل دستمزد افزایش پیدا میکنه ، افزایش پیدا بکنه چقد باعث کاهش افزایش فقر میشه خودش خیلی چالش هست و بنظرم خیلی وابسته هست به اینکه کجا باشه توی همین گزارش وزارت رفاه که توی نمودار هاش میبینیم که خطوط فقر مناطق مختلف کشور رو با حداقل دستمزد که در سراسر کشور یکسانه مقایسه کرده؛ در تهران حداقل دستمزد خیلی کمتر از هزینه ی خط فقر یک خانواده سه نفرس پس اینجا احتمالاً افزایش حداقل دستمزد میتونه کمک بکنه چون کارگرانی هستن که مشغول کار اند و همچنان نمیتوند نیاز های پایه رو ، از اونور داریم مناطق شهری و بیش تر مناطق روستایی زیادی که خط فقر خیلی پایین تر از حداقل دستمزد و اونجا که میاییم مطالعه میکنیم میبینیم مشکل مشکل سطح درآمدی نیست مشکل مشکله اشتغاله اونجا پس افزایش حداقل دستمزد اثرش برعکس خواهد بود پس اینی که یک جواب داشته باشیم برای همه جا اینا طبیعتاً به این اسونی نیس و گفتم بیشتر اینجور سیاست ها و تصمیمات معمولاً یک حالت بازتوزیعی داره یعنی به نفع یک گروه و به ضرر یک دیگس ، سیاست های تجارت ، تجاری ما همینطور مثالی بزنم ما به محض اینکه میبینیم اوضاع صادرات گوجه فرنگی یه ذره بهتر میشه و خوب نتیجهشم اینه که گوجه فرنگی در داخل یکم گرون تر میشه برای منه مصرف کننده شهری گرون تر در میاد سریع یک تجاری ایجاد میکنیم این خوب در نظر من مصرف کننده شهری خیلی سیاست خوبیه ، مانع از افزایش هزینه های من میشه ولی خو اونور ماجرا رو نمیبینیم که یک کشاورز روستایی هست که بعد از عمری یکسال قرار بود درامدش بهتر باشه به واسطه این امکان تجاری که براش برقرار شده بود؛ سیاست های تجاری مثلاً در کشورهای دنیا خیلی از کشورهای دنیا حالا درست یا غلطش رو من کاری ندارم ولی معمولان بخش کشاورزی شدت از سمت دولت حمایت میشه با همین سیاست های تجاری ما تو کشورمون تقریباً این نیست

برعکس اینه ، اینها میتونه رو فقر تاثیر گذار باشه یعنی ما شاید سالهاست سیاست های تجاریه به نفع مصرف کننده ی متوسط شهری باعث شده فقر در روستاها مون بیشتر بشه اون قسمت ماجرا رو اصلاً ندیدیم اتفاقاً این قسمت ها این تاثیرات سیاست های اقتصادی روی فقر بنظر من اون قسمت های جذاب ماجراست که باید مطالعه بشه تک به تک ببینیم که چنین موضوعی چه آثار بازتوزیعی داشته ، چه آثاری روی فقر داشته ؛ مثال دیگش رو بگم شاید خیلی جالب باشه که توسعه ی فاز های مثلاً پارس جنوبی در عسلویه خوب از نظر ما یک توسعه اقتصادی اونجا داره اتفاق می افته ظاهر ماجرا رو هم بریم ببینیم میبینم که بلاخره فرودگاهی جاده های خوبی و پل فلان و اونجا شکل گرفته....

مهدی ناجی: به هر حال یک گردش در آمدی میتونه برای مردم اون منطقه مفید باشه ؟

مجید عینیان: اره ، میتونه مفید باشه میتونه هم خیلی بهره مند نشن ازش خب بعد مثلاً در ظاهر میگیریم یا مثبت یا صفر دیگه ولی مثلاً اینی که مهندسایی که میان اونجا بعضاً دوست دارن که اقامت تو ساختمان های سازمانی نداشته باشن برن یک خونه ای اجاره بکنن قدرت خرید اون مهندسی که از تهران میره عسلویه کار بکنه قدرت خرید بالاییه ، تقاضای دست به نقد بالایی برای پرداخت اجاره داره میشه به نفع مالکان عسلویه ای ولی به ضرر مستاجرین عسلویه ای میشه یعنی اینجا میبینیم که یه اتفاقی افتاد که ما فکر میکردیم قراره اثرش مثبت یا در بدترین حالت صفر باشه ولی بر بعضیا ضررشون شد..

مهدی ناجی: منفییه ؟

مجید عینیان: منفییه اره ، یعنی تک تک این ماجراها رو میشه مطالعه کرد که ببینیم البته در مطمئناً در بلند مدت اون توسعه میتونه که سر ریز بشه به همه برسه ولی خوب شاید در کوتاه مدت به ۰۱:۱۰:۰۰ این سادگی این اتفاق نیوفته ما یه ایده حالاً خیلی مطالعه شده ولی یه ایده اولیه روی نقشه فقر یکی از اساتید اقتصاد داشتن که اون نقشه فقری که آماده کرده بودیم در سطح شهرستان اونجا یکی از اساتید اقتصاد من آلان اسمشون خاطر من نیست...

مهدی ناجی: در مورد ایران داری صحبت میکنی؟

مجید عینیان: در مورد ایران ، نکته ای که متذکر شدم گفتن بنظر میرسه نقشه فقر یجوری که شهرستانهای فقر کمتری دارن منطبق با خطوط راه آهنی که در ایران در واقع اون اول کار توسعه پیدا کرده و در کنارش به ترتیب بعد از ایجاد خطوط راه آهن صنعتی شدن در شهر های نزدیک به خطوط اتفاق افتاده چون مطالعه نشون میده که شهرهایی که کارگاه های صنعتی بیشتر دارن نرخ فقرشون کمتره...

مهدی ناجی: خب اطلاعات راه آهن نفهمیدم اونجایی که خطوط راه آهن هست فقر بیشتره یا کمتره؟

مجید عینیان: کمتره ، یعنی باعث شده در بلند مدت صنعت شکل بگیره و اون باعث کاهش نرخ فقر شده و البته میگم در حد یک ایده مطرح شده مطالعه به اون شکل انجام نشده ولی میتونه که در واقع یک نکته ای باشه ولی اینکه حضور کارگاه های صنعتی و اشتغال در بالا بودن نرخ اشتغال در کارگاه های صنعتی در سطح شهرستان باعث کاهش فقر شده این دیده شده.

مهدی ناجی: بسیار خب خیلی عالی میخای برای جمع بندی اگر نکته ای داری؟ برامون بگو.

مجید عینیان: برای جمع بندی میخام اینو بگم که کاهش فقر در اصل رشد اقتصادی کنارش نظام های حمایتی رو داریم ولی در اجرا و طراحی هر کدوم از سیاست های اقتصادی باید حواسمون باشه که آثار رفاهی در وقع به این شکل برای برخی خانوارها هم داره و اون هم باید توجه داشته باشیم.

مهدی ناجی: بسیار عالی ، خیلی مچکرم در این اپیزود شرکت کردید.

پایان ۰۱:۱۲:۴۳